سرمقاله

آدم‌ها در جایگاه خودشان معنا پیدا می‌کنند!

ادامه از صفحه یک

در محسن رضایی، این مجموعه رفتارها با تجربه زیسته و روحیات او سازگاری دارد؛ انگار این جایگاه، امکان بروز شخصیتی را فراهم کرده که پیش‌تر کمتر دیده می‌شد.

دیدار او با ولادیمیر پوتین، از این منظر نمونه قابل توجهی است. نحوه مواجهه، احوالپرسی و زبان بدن او در این دیدار، برای مخاطب ایرانی صرفاً یک تصویر تشریفاتی نبودبلکه به‌عنوان نشانه‌ای از اعتمادبه‌نفس و تسلط یک مقام ایرانی در مواجهه با یکی از قدرتمندترین رهبران جهان تعبیر می شود. در شرایطی که اقتدار ملی بیش از گذشته به یکی از نیازهای روانی و سیاسی جامعه تبدیل شده است، چنین تصاویری ظرفیت اثرگذاری نمادین قابل توجهی دارند.

این تغییر، به‌ویژه برای مخاطب داخلی، واجد معنای دیگری نیز هست. محسن رضایی سال‌ها در معرض داوری‌های طنزآمیز درباره برخی مواضع، تحلیل‌ها و اظهارنظرهای گذشته خود قرار داشت. بخشی از جامعه، او را بیشتر با همان تصویرهای رسانه‌ای و خاطرات سیاسی گذشته می‌شناخت تا با ظرفیت‌های واقعی مدیریتی و راهبردی‌اش. اما اکنون اورا در جایگاهی متفاوت، با چهره‌ای متفاوت می بیند چهره‌ای که در آن تحلیل‌های دقیق‌تر، هشدارهای حساب‌شده، مواضع سنجیده و نوعی میدان‌داری قابل اتکا به چشم می‌آید. این تغییر، لزوماً به معنای نادیده گرفتن گذشته یا پایان نقدها نیست؛ بلکه نشان می‌دهد داوری درباره شخصیت‌های سیاسی، اگر به تصاویر تثبیت‌شده گذشته محدود بماند، ممکن است مانع شناخت ظرفیت‌های تازه آنان شود.

البته واضح است ، اقتدار در تصویر، زمانی به اقتدار در واقعیت تبدیل می‌شود که بتواند مسئله‌ای را حل کند، تهدیدی را کاهش دهد یا افقی تازه برای کشور بگشاید.

با این همه، آنچه از تجربه حضور محسن رضایی در دبیری شورای عالی امنیت ملی می‌توان آموخت، فراتر از ارزیابی یک شخصیت سیاسی است. این تجربه یادآوری می‌کند که گاهی مشکل، کمبود آدم‌های توانمند نیست؛ بلکه قرار نگرفتن آنان در جایگاه متناسب با ظرفیت‌هایشان است. نظام‌های سیاسی اگر بتوانند میان شخصیت، تجربه، تخصص و مسئولیت تناسب برقرار کنند، نه‌تنها از ظرفیت‌های پنهان افراد بهره می‌گیرند، بلکه امکان بازسازی اعتماد عمومی به مدیریت سیاسی را نیز فراهم می‌آورند.

آدم‌ها در جایگاه خودشان شناخته می‌شوندنه همیشه آن‌گونه که گذشته‌شان روایت کرده، بلکه آن‌گونه که مسئولیت امروز از آنان مطالبه می‌کند. محسن رضایی در جایگاه جدیددست‌کم در تصویر و رفتار سیاسی نشانه‌هایی از این بازشناسی را به نمایش گذاشته است. اکنون انتظار آن است که این اعتمادبه‌نفس، این تسلط و این میدان‌داری، در عرصه تصمیم‌سازی و تأمین منافع ملی نیز به همان اندازه خود را نشان دهد. آن‌گاه می‌توان گفت نه‌فقط یک شخصیت سیاسی، بلکه یک ظرفیت مدیریتی در جایگاه درست خود قرار گرفته است.

خبر

سنتکام برای از سرگیری عملیات نظامی آماده می‌شود

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از یک مقام آمریکایی مدعی شد که فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در حال تکمیل آمادگی‌های لازم برای ازسرگیری عملیات نظامی گسترده است، هرچند واشنگتن هنوز دستور انجام چنین عملیاتی را صادر نکرده است.

به گزارش ایلنا، پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از یک مقام آمریکایی مدعی شد که فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در حال تکمیل آمادگی‌های لازم برای ازسرگیری عملیات نظامی گسترده است، هرچند واشنگتن هنوز دستور انجام چنین عملیاتی را صادر نکرده است.

در ادامه آمده است که یکی از تحولات قابل توجه، حرکت سومین گروه ناو هواپیمابر آمریکا به خاورمیانه است. ناو هواپیمابر «یواس‌اس تئودور روزولت» و گروه همراه آن در مسیر خلیج فارس قرار دارند.

این ناوگروه از روز جمعه برای چند روز در سنگاپور توقف خواهد کرد و انتظار نمی‌رود پیش از اواسط نوامبر به حوزه مسئولیت سنتکام برسد.

«ابتکار» سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به روسیه را بررسی می کند

مذاکرات سه ساعته در کرملین

گروه سیاسی - درحالی‌که تنش‌های نظامی و تهدیدات علیه ایران همچنان ادامه دارد، سرلشکر محسن رضایی، نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی، روز پنجشنبه ۱۴ آبان در سفری به مسکو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دیدار و پیام رهبر انقلاب را به وی تقدیم کرد. این دیدار که حدود دو تا سه ساعت به طول انجامید، نه تنها حامل پیام سیاسی سطح بالا بود، بلکه به محلی برای رایزنی درباره پایان جنگ، ترتیبات امنیتی منطقه و پیشبرد پروژه‌های راهبردی دوجانبه تبدیل شد.



تأکید دو طرف بر حل مسائل منطقه توسط کشورهای منطقه،می‌تواند به عنوان چارچوبی برای آینده تعاملات امنیتی در غرب آسیا مطرح شود

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین، پیش از این از برگزاری دیدار خبر داده بود. در این نشست، یوری اوشاکوف، دستیار رئیس‌جمهور روسیه در امور سیاست خارجی، و ایگور کوستیوکوف، رئیس سازمان اطلاعات نظامی روسیه (جی‌آریو)، نیز حضور داشتند. از سوی ایران، علی باقری، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی، و کاظم جلالی، سفیر ایران در مسکو، رضایی را همراهی می‌کردند.

پیام رهبر انقلاب و پاسخ پوتین

رضایی شامگاه همان روز در جمع خبرنگاران در مسکو اعلام کرد که این سفر قرار بود حدود یک ماه پیش انجام شود اما به دلیل مباحث نظامی منطقه به تأخیر افتاد. به گفته وی، رهبر معظم انقلاب تأکید کرده بودند که هرچه سریع‌تر پیام ایشان به پوتین تسلیم شود. پوتین نیز متقابلاً از رضایی خواست سلام بسیار گرم و صمیمانه وی را به رهبر انقلاب برساند.

این تبادل پیام در سطح رهبری دو کشور، نشان‌دهنده عمق روابط راهبردی تهران و مسکو در شرایط حساس کنونی است. پوتین در این دیدار با استقبال از پیام رهبر انقلاب، بر نقش سازنده و کلیدی ایران در منطقه تأکید کرد و اراده روسیه برای توسعه مناسبات با تهران را مورد تأکید قرار داد.

محکومیت تجاوز و تأکید بر پایان سریع جنگ

یکی از مهم‌ترین بخش‌های دیدار، موضع صریح پوتین درباره تجاوز نظامی به ایران بود. رضایی در جمع خبرنگاران گفت رئیس‌جمهور روسیه قویاً حمله نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و همچنین بمباران سایت‌های هسته‌ای کشورمان را محکوم کرد. پوتین به صراحت اعلام کرد که این تجاوز، جنگی ظالمانه بوده و باید هرچه سریع‌تر تمام شود. وی همچنین اعلام کرد که هر کمکی که از طرف روسیه برای پایان دادن به این جنگ مقدور باشد، آماده همکاری خواهد بود.

این موضع‌گیری در شرایطی بیان می‌شود که ایران هفت شرط را برای از سرگیری دیپلماسی و بازگشایی تنگه هرمز اعلام کرده و تأکید دارد تا زمانی که آمریکایی‌ها به این شروط عمل نکنند، نه مذاکره‌ای در کار است و نه تنگه باز می‌شود. رضایی در دیدار با پوتین این موضع را تشریح کرد و گفت دیپلماسی فعلی صرفاً با هدف واداشتن آمریکا به پرداخت حقوق ایران صورت می‌گیرد.

پوتین پیشنهاد خاصی برای پایان جنگ ارائه نکرد اما اظهار داشت که اگر حالت «نه جنگ و نه صلح» زودتر تمام شود، به نفع ایران خواهد بود. این عبارت نشان‌دهنده نگاه واقع‌گرایانه مسکو به وضعیت فعلی است؛ وضعیتی که نه به درگیری تمام‌عیار منجر شده و نه به آرامش پایدار.

ترتیبات امنیتی منطقه و نشست چهارجانبه

بخش قابل توجهی از گفت‌وگوها به مسائل پساجنگ و ترتیبات امنیتی منطقه اختصاص داشت. رضایی گزارشی از نشست چهارجانبه ایران، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه در تهران ارائه کرد. پوتین از برگزاری این نشست استقبال کرد و اعلام داشت که روسیه نیز مانند چین معتقد است باید ترتیبات منطقه‌ای وجود داشته باشد و کشورهای خارجی در امنیت منطقه دخالت نکنند.

این هم‌صدایی میان تهران و مسکو درباره نظم امنیتی منطقه، در شرایطی که قدرت‌های خارجی به دنبال تثبیت حضور خود هستند، از اهمیت راهبردی برخوردار است. تأکید دو طرف بر حل مسائل منطقه توسط کشورهای منطقه، می‌تواند به عنوان چارچوبی برای آینده تعاملات امنیتی در غرب آسیا مطرح شود.

پروژه‌های دوجانبه؛ از ریل تا گاز

در حوزه روابط دوجانبه نیز پیشرفت‌های ملموسی مورد بحث قرار گرفت. رضایی اعلام کرد شورای عالی امنیت ملی قرارداد اجرایی ساخت خط ریلی رشت – آستارا را با مشارکت طرف روسی تصویب کرده و قرار است وزیر راه و شهرسازی به زودی این قرارداد را امضا کند. همچنین درباره احداث خط لوله انتقال گاز روسیه به ایران گفت‌وگو شد؛ طرحی که هم می‌تواند کمبودهای گاز ایران را برطرف کند و هم امکان صادرات گاز روسیه به کشورهای همسایه از طریق ایران را فراهم سازد.

این پروژه‌ها نشان‌دهنده تلاش دو کشور برای تبدیل روابط سیاسی به همکاری‌های اقتصادی پایدار است. در شرایط تحریم و فشارهای خارجی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی هر دو طرف کمک کند.

ابعاد تحلیلی و پیامدها

دیدار رضایی با پوتین در کرملین را باید در بستر تحولات اخیر منطقه و تغییر فضای سیاسی آمریکا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای تحلیل کرد. ارسال پیام رهبر انقلاب در این مقطع زمانی، نشان‌دهنده اولویت بالای روابط با روسیه در دستگاه تصمیم‌گیری ایران است. موضع صریح پوتین در محکومیت تجاوز و اعلام آمادگی برای کمک به پایان جنگ، می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای سیاسی برای مواضع ایران در برابر فشارهای غربی عمل کند.

از سوی دیگر، تأکید دو طرف بر ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و مخالفت با دخالت قدرت‌های خارجی، بیانگر تلاشی برای شکل‌دهی به نظمی جدید در غرب آسیا است؛ نظمی که در آن کشورهای منطقه نقش اصلی را ایفا کنند. نشست چهارجانبه تهران و استقبال مسکو از آن، می‌تواند نقطه آغاز این فرآیند باشد.

در مجموع، این دیدار بیش از یک رایزنی معمول دیپلماتیک بود. تقدیم پیام رهبر انقلاب، محکومیت صریح تجاوز، رایزنی درباره پایان جنگ و پیشبرد پروژه‌های راهبردی، همگی نشان می‌دهد تهران و مسکو در حال تعمیق هماهنگی‌های خود در یکی از حساس‌ترین مقاطع منطقه‌ای هستند. اینکه این هماهنگی تا چه اندازه به تغییر معادلات میدانی و دیپلماتیک منجر شود، به تحولات هفته‌ها و ماه‌های آینده بستگی دارد.

پیام قالیباف به ونس

این حرف‌ها را به رئیست بگو!



محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در واکنشی تند به اظهارات اخیر جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نوشته است که آمریکا حس قماربازی را منتقل می‌کند که مدام می‌بازد اما دیگر نمی‌تواند از پای میز قمار بلند شود. این واکنش در پی پیامی بود که ونس پس از شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای منتشر کرد و در آن جنگ با ایران را یکی از دلایل اصلی باخت حزبی دانست.

قالیباف در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «از این سخنرانی‌ها که بگذریم، چرا این حرف‌ها را به رئیست نمی‌گویی؟» وی اضافه کرد که در حالی که آمریکا در لبه پرتگاه «اول اسرائیل» ایستاده است، رئیس تو دارد مرحله بعدی جنگ را آماده می‌کند. این موضع‌گیری قالیباف، بازتاب‌دهنده نگاه تهران به تناقض‌گویی‌های مقامات آمریکایی پس از شکست انتخاباتی است.

اظهارات ونس و اعتراف به شکست

جی‌دی ونس در پیامی نوشته بود که هواداران جمهوری‌خواه پای صندوق‌های رأی آمدند، اما چهار موضوع باعث شد بسیاری از آن‌ها به دموکرات‌ها رأی بدهند: پایان دادن به جنگ، تمرکز بر هزینه‌های زندگی و تورم، اولویت دادن به آمریکا و تجدیدنظر در روابط با اسرائیل. وی صراحتاً اعلام کرد که دلیل شکست، جنگ است و حتی خود رئیس‌جمهور نیز به این موضوع اذعان کرده است.

ونس در بخش دیگری از پیام خود خطاب به کسانی که همچنان از جنگ دفاع می‌کنند، نوشته بود: اگر می‌خواهید استدلال کنید که این جنگ ارزشش را داشت و از دست دادن اکثریت سنا برای شش سال آینده بهای قابل‌قبولی برای آن بود، بفرمایید و از موضعتان دفاع کنید. این لحن ونس، نشان‌دهنده شکاف عمیق در صفوف جمهوری‌خواهان پس از موج آبی دموکرات‌هاست؛ شکافی که حتی معاون رئیس‌جمهور را وادار به اعتراف علنی کرده است.

واکنش قالیباف؛ از قمارباز تا تناقض‌گویی

قالیباف با تشبیه آمریکا به قماربازی که مدام می‌بازد اما قادر به ترک میز نیست، به تداوم سیاست‌های پرریسک واشنگتن اشاره کرده است. اشاره وی به «اول اسرائیل» و آماده‌سازی مرحله بعدی جنگ توسط ترامپ، بیانگر این ارزیابی است که علی‌رغم اعترافات درون‌حزبی، رویکرد خصمانه آمریکا نسبت به ایران تغییر اساسی نکرده است.

این واکنش در شرایطی مطرح می‌شود که جمهوری‌خواهان پس از از دست دادن کنترل کنگره، درگیر تسویه‌حساب‌های داخلی شده‌اند. برخی قانونگذاران، پیت هگست وزیر جنگ را مقصر اصلی کشاندن ترامپ به جنگ می‌دانند و حتی بحث استیضاح وی مطرح شده است. در چنین فضایی، اظهارات ونس که جنگ را عامل شکست معرفی می‌کند، از یک سو نشان‌دهنده واقع‌گرایی اجباری و از سوی دیگر بیانگر تلاش برای فاصله‌گیری از تبعات سیاسی این تصمیم است.

ابعاد تناقض در مواضع آمریکا

نکته کلیدی در واکنش قالیباف، برجسته کردن تناقض میان سخن و عمل مقامات آمریکایی است. ونس از یک طرف از ضرورت پایان جنگ، تمرکز بر معیشت مردم آمریکا و تجدیدنظر در روابط با اسرائیل سخن می‌گوید و از طرف دیگر، رئیس‌جمهور همچنان در مسیر تشدید تنش حرکت می‌کند. قالیباف با طرح این پرسش که «چرا این حرف‌ها را به رئیست نمی‌گویی؟»، عملاً به این دوگانگی اشاره کرده و آن را نشانه ضعف و سردرگمی در ساختار تصمیم‌گیری آمریکا دانسته است.

این تناقض‌گویی تنها محدود به ونس نیست. طی روزهای پس از انتخابات، چهره‌های مختلف جمهوری‌خواه تلاش کرده‌اند مسئولیت شکست را به گردن جنگ، هزینه‌های زندگی یا تصمیمات خاص بیندازند، بدون آنکه به صورت جمعی از اصل سیاست خارجی ترامپ فاصله بگیرند. نتیجه این رویکرد، تصویر آمریکایی است که هم از تبعات جنگ ناراضی است و هم توانایی تغییر مسیر را ندارد.

پیامدها برای معادلات منطقه

واکنش قالیباف را باید در بستر مواضع کلی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحولات داخلی آمریکا تحلیل کرد. تهران بارها تأکید کرده که سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران، بیش از آنکه مبتنی بر محاسبات راهبردی باشد، تحت تأثیر لابی‌ها و ملاحظات انتخاباتی قرار دارد.

اعتراف ونس به اینکه جنگ عامل شکست بوده، از دیدگاه تهران تأییدی بر این ارزیابی است که ماجراجویی نظامی علیه ایران، هزینه‌های سنگینی برای خود آمریکا به همراه داشته است. از سوی دیگر، اشاره قالیباف به آماده‌سازی مرحله بعدی جنگ توسط ترامپ، هشداری است نسبت به احتمال تداوم یا تشدید تنش‌ها. در شرایطی که دموکرات‌ها کنترل کنگره را به دست گرفته‌اند، آزادی عمل ترامپ در حوزه سیاست خارجی کاهش یافته، اما اختیارات اجرایی رئیس‌جمهور همچنان قابل توجه است. بنابراین، احتمال اقدامات یکجانبه یا ایجاد بحران‌های جدید همچنان وجود دارد.

اظهارات ونس و واکنش قالیباف، دو روی یک سکه از وضعیت فعلی روابط ایران و آمریکا را به نمایش می‌گذارد. از یک سو، مقامات آمریکایی ناچار به اعتراف به هزینه‌های سنگین جنگ شده‌اند و از سوی دیگر، تهران این اعترافات را کافی نمی‌داند و بر تناقض میان سخن و عمل تأکید می‌کند. تا زمانی که واشنگتن از مسیر فشار و تهدید فاصله نگیرد و به شروط اعلام‌شده ایران پاسخ عملی ندهد، فضای تنش ادامه خواهد داشت. قالیباف با لحن صریح خود، پیامی روشن ارسال کرده است: اعتراف به شکست جنگ، بدون تغییر در رفتار، چیزی جز سخنرانی نیست. آمریکا اگر واقعاً به دنبال اولویت دادن به منافع خود و پایان دادن به هزینه‌های بیهوده است، باید از میز قمار بلند شود؛ نه اینکه در عین اعتراف به باخت، همچنان به بازی ادامه دهد.

خبر

واکنش تند بقایی به وزیر خارجه آلمان



اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنشی تند به اظهارات اخیر یوهان وادەفول، وزیر امور خارجه آلمان، وی را متهم کرد که با تأیید تجاوزگری آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، خود را تا حد توجیه‌کننده شنیع‌ترین جنایات جنگی پایین آورده است. این واکنش در پی ادعاهای وزیر خارجه آلمان مبنی بر مقصر بودن ایران در درگیری‌ها به دلیل پیگیری برنامه هسته‌ای و حمایت از گروه‌های مقاومت مطرح شد.

بقائی در پیام خود در شبکه ایکس نوشت: وزیر خارجه آلمان با تأیید تجاوزگری آمریکا و اسرائیل علیه ایران، خود را در حد توجیه‌کننده شنیع‌ترین جنایات جنگی تقلیل داده است. وی با اشاره به مواضع قبلی مقامات آلمانی افزود: زمانی صدراعظم مرتس با هیجان اعلام کرده بود که اسرائیل با حمله به ایران «کار کثیف ما را انجام می‌دهد.» اما تنها چند ماه بعد، همین صدراعظم از هزینه ۱۰۰ میلیارد یورویی این جنگ برای اقتصاد اروپا می‌نالد. اکنون وزیر خارجه‌اش به صرافت توجیه تجاوز نظامی علیه ایران افتاده است.

سخنگوی وزارت خارجه با استفاده از تعبیر «هانس سربه‌هوا» به وزیر خارجه آلمان کنایه زد و نوشت که وی دچار چنان بی‌تفاوتی و زوال اخلاقی شده که نه توجهی به هزینه‌های انسانی و جنایات ارتکابی دارد و نه خسارات اقتصادی آن برای کشور خودش و اروپا را درک می‌کند. بقائی با استناد به ضرب‌المثل آلمانی که می‌گوید «آدمی باید از خسارت درس بگیرد»، تأکید کرد که طرف مقابل اهل درس‌آموزی نیست.

این واکنش در شرایطی بیان می‌شود که آلمان طی ماه‌های اخیر مواضع متناقضی درباره جنگ و پیامدهای آن اتخاذ کرده است. از یک سو برخی مقامات برلین از اقدامات نظامی علیه ایران حمایت یا آن را توجیه کرده‌اند و از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی سنگین این درگیری برای اروپا، از جمله افزایش قیمت انرژی و فشار بر صنایع، به موضوع انتقاد داخلی تبدیل شده است. اشاره بقائی به ناله صدراعظم آلمان از هزینه ۱۰۰ میلیارد یورویی، دقیقاً بر همین تناقض انگشت گذاشته است.

موضع‌گیری بقائی فراتر از یک واکنش دیپلماتیک معمول است. وی با طرح مفهوم «جنایات جنگی» و «زوال اخلاقی»، اظهارات وزیر خارجه آلمان را نه تنها از منظر سیاسی، بلکه از زاویه حقوق بین‌الملل و مسئولیت اخلاقی مورد انتقاد قرار داده است. در حالی که آلمان همواره خود را مدافع نظم مبتنی بر قواعد معرفی کرده، توجیه تجاوز نظامی و بمباران تأسیسات، از دیدگاه تهران نقض آشکار این ادعاهاست.

از سوی دیگر، اتهام وزیر خارجه آلمان مبنی بر مقصر بودن ایران به دلیل برنامه هسته‌ای و حمایت از گروه‌های مقاومت، با پاسخ تهران روبه‌رو شده که این ادعاها را پوششی برای مشروعیت‌بخشی به تجاوز می‌داند. بقائی با برجسته کردن تغییر لحن مقامات آلمانی از حمایت هیجانی تا شکایت از هزینه‌ها، تلاش کرده نشان دهد که محاسبات اولیه برلین نادرست بوده و اکنون به جای پذیرش اشتباه، به توجیه ادامه می‌دهد.

این تبادل موضع‌گیری، نشان‌دهنده عمق اختلاف میان تهران و برخی پایتخت‌های اروپایی درباره ریشه بحران است. در حالی که ایران تجاوز را عامل اصلی تنش می‌داند، طرف آلمانی با مقصر دانستن تهران، عملاً مسئولیت را جابه‌جا می‌کند. چنین رویکردی می‌تواند فضای گفت‌وگوهای احتمالی آینده را پیچیده‌تر سازد و بی‌اعتمادی موجود را افزایش دهد.

در مجموع، واکنش بقائی پیامی روشن دارد: اروپا اگر واقعاً نگران هزینه‌های جنگ و ثبات منطقه است، باید از توجیه تجاوز فاصله بگیرد و به جای سرزنش قربانی، مسئولیت آغازکنندگان درگیری را به رسمیت بشناسد. تا زمانی که این تناقض میان سخن و عمل در مواضع اروپایی ادامه داشته باشد، انتظار تغییر معنادار در روابط دشوار خواهد بود.

همزمان با صحبت‌های مهاجرانی بررسی شد

موضع متناقض دولت در مورد کالابرگ

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در واکنش به گمانه‌زنی‌ها درباره حذف چند ده میلیون نفر از مشمولان کالابرگ تأکید کرد که اعداد و ارقام مطرح‌شده درباره حذف گسترده صحت ندارد. به گفته وی، اصلاحات موردنظر دولت با هدف تحقق عدالت و رساندن حمایت‌ها به اقشار آسیب‌پذیرتر انجام می‌شود.

مهاجرانی در گفت‌وگو با صداوسیما توضیح داد که دولت در حوزه حمایت‌های معیشتی چند محور را به صورت همزمان پیش می‌برد. وی به پرداخت ماهانه دو میلیون تومان در قالب «کارت امید مادر» به حساب مادران و همچنین اختصاص ماهانه دو میلیون تومان در قالب طرح حمایت مضاعف از کودکان اشاره کرد و گفت این اقدامات در کنار اصلاح نظام کالابرگ دنبال می‌شود.

جزئیات افزایش اعتبار کالابرگ

سخنگوی دولت اعلام کرد که برای ۳۵ میلیون نفر از هم‌وطنان، میزان اعتبار کالابرگ ۵۰ درصد افزایش یافته است. در عین حال، اعتبار کالابرگ برای بخشی دیگر از مردم همچنان یک میلیون تومان باقی مانده است. این تفکیک نشان می‌دهد دولت به دنبال ایجاد تمایز میان گروه‌های مختلف درآمدی و دارایی است تا منابع محدود حمایتی به شکل هدفمندتری توزیع شود.

مهاجرانی با بیان اینکه اصلاحاتی در راستای تحقق عدالت در نظام حمایتی دولت در دستور کار قرار دارد، افزود: در این زمینه، شاخص‌هایی متناسب با شرایط اقتصادی خانوارها از جمله دارایی‌هایی مانند خودرو و ملک و همچنین میزان تراکنش‌های بانکی در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها در قالب یک بسته جامع تدوین شده و همکاران ما در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی توضیحات تکمیلی را به مردم ارائه خواهند کرد.

هدف اصلاحات؛ از فراگیری به هدفمندی

اظهارات سخنگوی دولت را باید در بستر چالش‌های بودجه حمایتی و فشارهای تورمی تحلیل کرد. طی سال‌های اخیر، نظام یارانه‌ای و کالابرگ با انتقاداتی از جمله عدم هدفمندی دقیق و پوشش افراد غیرنیازمند روبه‌رو بوده است. دولت اکنون تلاش می‌کند با اتکا به داده‌های اقتصادی خانوارها، از جمله وضعیت دارایی و گردش مالی، حمایت‌ها را به سمت گروه‌های آسیب‌پذیرتر سوق دهد.

افزایش ۵۰ درصدی اعتبار برای ۳۵ میلیون نفر، نشان‌دهنده اولویت دادن به اقشار متوسط رو به پایین است. در مقابل، ثابت ماندن اعتبار یک میلیون تومانی برای بخشی دیگر از مشمولان، به معنای آن است که دولت قصد دارد به تدریج از حمایت یکسان فاصله بگیرد. این رویکرد اگر با شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق همراه شود، می‌تواند به افزایش کارآمدی منابع منجر شود؛ اما اگر با ابهام یا حذف ناگهانی همراه باشد، ممکن است نارضایتی ایجاد کند.

یکی از نقاط کلیدی در اظهارات مهاجرانی، تأکید بر نادرست بودن شایعات حذف گسترده است. طرح اعداد چند ده میلیونی درباره حذف مشمولان، در فضای مجازی و برخی محافل رسانه‌ای بازتاب یافته و نگرانی‌هایی ایجاد کرده بود. سخنگوی دولت با رد این ادعاها، تلاش کرده فضای روانی را مدیریت کند و اعلام دارد که اصلاحات به معنای قطع حمایت از گروه‌های وسیع نیست، بلکه بازتوزیع هوشمندانه منابع است.

با این حال، موفقیت این اصلاحات به چند عامل بستگی دارد. نخست، دقت و به‌روز بودن داده‌های مورد استفاده برای سنجش دارایی و تراکنش‌های بانکی است. هرگونه خطا در این داده‌ها می‌تواند به حذف افراد نیازمند یا ادامه حمایت از افراد غیرنیازمند منجر شود. دوم، شفافیت در اعلام شاخص‌ها و فرآیند اعتراض است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید به سرعت جزئیات بسته جامع را منتشر کند تا ابهامات برطرف شود.

ابعاد اجتماعی و اقتصادی

اصلاح نظام کالابرگ در شرایطی انجام می‌شود که فشار معیشتی بر خانوارها همچنان بالاست. افزایش اعتبار برای بخشی از مشمولان می‌تواند تا حدی از قدرت خرید آن‌ها حمایت کند، اما ثابت ماندن اعتبار برای گروه دیگر، در عمل به معنای کاهش ارزش واقعی حمایت در برابر تورم است. بنابراین، دولت ناچار است میان محدودیت منابع و مطالبات اجتماعی تعادل برقرار کند.

از سوی دیگر، پرداخت‌های جداگانه مانند کارت امید مادر و حمایت از کودکان، نشان‌دهنده تلاش برای پوشش گروه‌های خاص جمعیتی است. این رویکرد می‌تواند به کاهش نابرابری‌های درون‌خانوار کمک کند، اما هماهنگی میان این طرح‌ها و نظام کالابرگ ضروری است تا از همپوشانی یا خلأ حمایتی جلوگیری شود.

در مجموع، اظهارات مهاجرانی پیامی دوگانه دارد: از یک سو رد شایعات حذف گسترده و از سوی دیگر اعلام شروع مرحله‌ای از هدفمندسازی حمایت‌ها. موفقیت این سیاست به اجرای دقیق، شفافیت و پاسخگویی به موقع به نگرانی‌های مردم بستگی دارد. اگر اصلاحات به گونه‌ای پیش برود که اقشار آسیب‌پذیر احساس امنیت بیشتری کنند، می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌های حمایتی دولت منجر شود. در غیر این صورت، شایعات و نگرانی‌ها بار دیگر فضای عمومی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

